Ma'rifat-i Farhangī Ejtemaii_____2026, Vol. 17, No. 4, 113-129

https://creativecommos.org/licenses/by-nc/4.0

10.22034/marefatefarhangi.2026.5003531

20.1001.1.20088582.1405.17.4.4.6

An Investigation into the Economic and Political Backgrounds of Elite Social Deviance (With an Emphasis on Allameh Mesbah's Theory) *

Gholamreza Shafagh / Ph.D. Candidate in Sociology, Imam Khomeini Educational and Research Institute shafagh1355@jmail.com

Received: 2025/12/06 - **Accepted:** 2026/02/14

Abstract

Adopting an interdisciplinary approach, this paper investigates the relationship between power, wealth, and the phenomenon of elite social deviance; by critiquing criminology's traditional focus on the deviance of the underprivileged, it posits "elite deviance" as a central issue. Utilizing Islamic text content analysis (the Quran and Hadiths) alongside a re-reading of key conflict and critical sociological theories, it is argued that the powerful and the wealthy are not only less frequently "labeled" as deviant due to greater access to the instruments of social control, but inherently, through structural and psychological mechanisms, they foster broader and more consequential deviance. The findings indicate that this relationship is shaped through several primary pathways: I. Shaping dominant cultural discourses and defining norms; II. Creating and maintaining unjust economic structures (such as the usurious system and profit-driven capitalism); III. Reinforcing a sense of self-sufficiency, hubris, and the "lust for power" within the personality of the elites; IV. Capturing the instruments of formal control (professions, positions, and media). Ultimately, by presenting an integrated analytical model, the paper demonstrates how macro (structural) and micro (psychological) factors, in interaction with one another, generate a specific pattern of politico-economic deviance among the holders of power and wealth. This study underscores the necessity of shifting the focus of social control toward elite deviance, as well as the richness of Islamic foundations for formulating an Islamic social theory in this domain.

Keywords: Power, Wealth, Elite Deviance, Conflict Sociology, Dominant Discourse, Social Control, Critical Theory.

* This paper was presented at "the International Conference on Islamic Humanities" commemorating 'Allameh Mohammad-Taqi Mesbah-Yazdi.

معرفت فرهنگی اجتماعی ——— سال هفدهم، شماره چهارم، پیاپی ۶۸، پاییز ۱۴۰۵، ص ۱۱۳ـ۱۲۹

https://creativecommos.org/licenses/by-nc/4.0

doi 10.22034/marefatefarhangi.2026.5003531

dor 20.1001.1.20088582.1405.17.4.4.6

نوع مقاله: پژوهشی

بررسی زمینه‌های اقتصادی و سیاسی انحرافات اجتماعی نخبگان (با تأکید بر نظریهٔ علامه مصباح)*

غلامرضا شفق / دانشجویی دکتری جامعه‌شناسی مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی‌ؒ shafagh1355@jmail.com

دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۱۵ ـ **پذیرش:** ۱۴۰۴/۱۱/۲۵

چکیده

این مقاله با رویکردی بین‌رشته‌ای به بررسی رابطهٔ قدرت و ثروت با پدیدهٔ کجروی اجتماعی نخبگان می‌پردازد و با نقد تمرکز سنتی جرم‌شناسی بر انحرافات محرومان، «کجروی نخبگان» را به‌عنوان مسئله‌ای محوری مطرح می‌سازد. با استفاده از روش تحلیل محتوای متون اسلامی (قرآن و احادیث) و نیز بازخوانی نظریه‌های کلیدی جامعه‌شناسی تضاد و انتقادی، استدلال می‌شود که قدرتمندان و ثروتمندان نه‌تنها به دلیل دسترسی بیشتر به ابزارهای کنترل اجتماعی، کمتر «برچسب» کجروی می‌خورند، بلکه به‌خودی‌خود، از طریق مکانیزم‌های ساختاری و روان‌شناختی، بسترساز انحرافات گسترده‌تر و پیامدارتری هستند. یافته‌ها نشان می‌دهد که این رابطه از طریق چند مسیر اصلی شکل می‌گیرد: ۱. شکل‌دهی به گفتمان‌های مسلط فرهنگی و تعریف هنجارها؛ ۲. ایجاد و حفظ ساختارهای اقتصادی ناعادلانه (مانند نظام ربوی و سرمایه‌داری سودمحور)؛ ۳. تقویت حس بی‌نیازی، غرور و «جنون قدرت» در شخصیت نخبگان؛ ۴. تصاحب ابزارهای کنترل رسمی (مشاغل، جایگاه‌ها، رسانه). مقاله در نهایت با ارائهٔ یک مدل تحلیلی تلفیقی، نشان می‌دهد که چگونه عوامل کلان (ساختاری) و خرد (روان‌شناختی) در تعامل با یکدیگر، الگوی خاصی از کجروی‌های اقتصادی ـ سیاسی را در میان صاحبان قدرت و ثروت تولید می‌کنند. این پژوهش بر ضرورت جابه‌جایی کانون توجه کنترل اجتماعی به سمت انحرافات نخبگان و نیز غنای مبانی اسلامی برای تدوین یک نظریهٔ اجتماعی اسلامی در این حوزه تأکید می‌ورزد.

کلیدواژه‌ها: قدرت، ثروت، کجروی نخبگان، جامعه‌شناسی تضاد، گفتمان مسلط، کنترل اجتماعی، نظریهٔ انتقادی.

* این مقاله در همایش بین‌المللی «علوم انسانی اسلامی بزرگداشت علامه محمدتقی مصباح یزدی‌ؒ» ارائه شده است.

مقدمه

حوزهٔ انحرافات اجتماعی همواره تحت سلطهٔ پارادایمی قرار داشته که کجروی را پدیده‌ای عمدتاً مرتبط با فقر، محرومیت و حاشیه‌نشینی می‌دانست. این نگاه به‌صورت یک «فرضیهٔ عام نانوشته»، نیروهای کنترل اجتماعی (مانند پلیس) را به سمت نظارت و سرکوب رفتارهای انحرافی در میان طبقات فرودست هدایت کرده است. اما پرسش اساسی و متناقض‌نمایی که این مقاله آن را محور قرار می‌دهد، این است که چگونه می‌توان کجروی را به طبقات محروم نسبت داد؛ درحالی‌که دسترسی به مهم‌ترین اهرم‌های کنش اجتماعی (سازمان‌ها، دولت، نظام جزایی، شرکت‌ها و رسانه‌ها) در انحصار طبقات توانمند و نخبگان جامعه است. آیا این انحصار، خود بستری برای شکل‌گیری الگوهای خاص و پرمخاطره‌تری از کجروی نیست؟

این مقاله با مبنا قرار دادن این پرسش، هدف دوگانه‌ای را دنبال می‌کند: نخست، بازتعریف مسئلهٔ کجروی با تمرکز بر «نخبگان» (دارای قدرت و ثروت)؛ و دوم، تبیین مکانیسم‌های نظری و عینی‌ای که طبق آنها، قدرت و ثروت می‌توانند عامل کجروی باشند. برای دستیابی به این هدف، از سنتز دو چشم‌انداز نظری بهره می‌برد: نظریه‌های جامعه‌شناختی تضاد و انتقادی از یک‌سو؛ و نظام مفهومی و تبیینی مستخرج از متون اسلامی (قرآن و سنت) از سوی دیگر. این رویکرد بین‌رشته‌ای، ضمن بهره‌گیری از ابزارهای تحلیلی علوم اجتماعی، درصدد است تا با استناد به مبانی اسلامی، از افتادن در دام نسبی‌گرایی افراطی برخی نظریه‌های غربی اجتناب کرده و نظریه‌پردازی بومی را در این حوزه پیش ببرد.

علامه مصباح﵀ در آثار خویش تلاش دارد تأثیر قدرت و ثروت بر انحرافات را به شکل دقیق تبیین نماید و آیات و روایات مرتبط با نقش نخبگان در تولید، تعریف و اشاعهٔ انحرافات را به‌صورت مفصل تشریح کرده است. به همین دلیل، در این مقاله از نظریهٔ ایشان برای تبیین این جنبه از مباحث مربوط به انحرافات استفاده شده است. تحلیل‌های ایشان از سطح خرد آغاز می‌شود و در نهایت نهادها و سازمان‌های تحت کنترل نخبگان و آثار جمعی قدرت و ثروت در جامعه را مورد بررسی قرار می‌دهد. علاوه بر این، نظریهٔ علامه مصباح﵀ دارای عمق تاریخی است و انحرافات نخبگان در طول تاریخ را ذکر می‌کند و به کمک آیات قرآن مصادیق تاریخی انحرافات نخبگان را بیان می‌کند.

چارچوب نظری: گذار از نظریه‌پردازی غربی به تحلیل اسلامی

پیشینهٔ تحقیق نشان می‌دهد که اگرچه جامعه‌شناسی انحرافات در غرب غنی است، اما تمرکز آن عمدتاً بر اقشار محروم بوده است. بااین‌حال، شاخه‌های «نظریهٔ تضاد» و «جرم‌شناسی انتقادی» نگاه خود را به‌سوی رابطهٔ نهاد قدرت و کجروی معطوف کرده‌اند.

نظریهٔ تضاد (مارکس، انگلس، کوبینی، ترک): در این چارچوب، جامعه عرصهٔ کشمکش گروه‌های ذی‌نفع بر سر منابع محدود است؛ کشمکشی که برندهٔ اصلی آن در کوتاه‌مدت نخبگان جامعه می‌باشند.

قانون و نظام جزایی، ابزاری در دست گروه مسلط (سرمایه‌داران/حاکمان) برای تحمیل ارزش‌های خود و جرم‌سازی از رفتارهای رقیب است. در این قالب می‌توان تحریف‌ها، برچسب‌ها و اجحاف‌های به ظاهر موجه را انجام داد (سلیمی و داوری، ۱۳۸۵، ص۳۵۵؛ مظلوم خراسانی، ۱۳۸۵، ص۹۵).

بنابراین کجروی واقعی، نه جرائم خیابانی، بلکه جرائم صاحبان قدرت است. استثمار اقتصادی، فساد سیاسی، تخریب محیط زیست و ایجاد نابرابری‌های ساختاری به مراتب مهم‌تر از کجروی‌های محدود محرومین جامعه است (سلیمی و داوری، ۱۳۸۵، ص۳۵۳).

جرم‌شناسی انتقادی و رادیکال: این دیدگاه با تأکید بر «ساختارهای قدرت» نهادینه‌شده، بر نقش گفتمان‌های مسلط در تعریف جرم تأکید می‌ورزد. قدرت، تنها اقتصادی نیست، بلکه حامل وجوه فرهنگی و زبانی نیز است. نخبگان از طریق کنترل رسانه و دستگاه‌های معرفت‌ساز (مانند آموزش)، گفتمانی می‌سازند که موقعیت خود را طبیعی و مشروع، و اعتراض محرومان را غیرعقلانی یا مجرمانه جلوه می‌دهد. جرائم خود را مشروع و جرائم محرومان را خطرناک جلوه می‌دهند (وایت و هینز، ۱۳۸۳، ص۴۰۷).

نظریهٔ برچسب‌زنی: این نظریه، فرآیند جرم‌شناسی رسمی را کانون تحلیل قرار می‌دهد. نخبگان به دلیل برخورداری از منابع، قادرند به دیگران (محرومان) «برچسب» کجروی بزنند و از این طریق، هم خود را پاک‌ساز نمایند و هم با ایجاد «هویت منحرف» در دیگری، چرخهٔ انحراف را تشدید کنند، حتی می‌توانند محرومانی که مجرم نیستند به‌سوی جرم و انحراف سوق دهند (گیدنز، ۱۳۸۴، ص۱۶۲).

نظریهٔ جامعهٔ توده‌ای (میلز): در جامعه‌ای که انجمن‌های میانی ضعیف هستند و رسانه‌های جمعی یک جانبه بر ارتباطات مسلط‌اند، «نخبگان قدرت» (اتحاد سیاست، ثروت و نظامی‌گری) می‌توانند توده‌های منفعل و بی‌تفاوت را شکل دهند و تصمیم‌ها را بدون مشارکت واقعی مردم به نفع خود تحمیل کنند (میلز، ۱۳۸۸، ص۳۹۸ـ۴۰۰؛ استریناتی، ۱۳۸۸، ص۳۱).

نقد و گذار

اگرچه این نظریه‌ها رابطهٔ قدرت و کجروی را روشن می‌سازند، اما با اشکالاتی روبه‌رو هستند:

۱. نسبی‌گرایی افراطی در تعریف جرم؛

۲. نادیده گرفتن عاملیت و ارادهٔ فردی در سایهٔ جبر ساختاری (باتومور و روبل، ۱۳۹۲، ص۲۸۴)؛

۳. فقدان چارچوب هنجاری برای تمیز «عدالت» از «ظلم» (وایت و هینز، ۱۳۸۳، ص۴۲۲ـ۴۲۶)؛

۴. نگاه تک علّتی (عمدتاً اقتصادی) (ولد و همکاران، ۱۳۸۰، ص۲۳۹ـ۲۴۲).

اینجاست که چشم‌انداز اسلامی با ارائهٔ مبانی ثابت هستی‌شناختی، انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی و ارزشی، می‌تواند این نقایص را اصلاح و تحلیل را تکمیل کند.

روش‌شناسی

این پژوهش با روش «تحلیل محتوا» از نوع کیفی ـ تحلیلی انجام شده است. داده‌های اصلی آن، متون اسلامی (آیات قرآن کریم و احادیث معصومین﵈) و داده‌های ثانویه، متون نظری جامعه‌شناسی مربوطه هستند. روش جمع‌آوری داده‌ها، اسنادی ـ کتابخانه‌ای بوده است. رویکرد تحلیل، توصیفی ـ تبیینی است؛ بدین معنا که پس از استخراج مفاهیم و گزاره‌های مربوطه از متون دینی، در پرتو چارچوب‌های جامعه‌شناختی، به تبیین رابطهٔ نظام‌مند میان قدرت، ثروت و کجروی پرداخته شده است. هدف، نه مقایسه‌سازی جزءبه‌جزء، بلکه استفادهٔ انتقادی و مکمل از یافته‌های جامعه‌شناختی برای توضیح پدیده‌هایی است که در متون اسلامی به آنها اشاره شده است.

۱. میکانیزم‌های تأثیر قدرت و ثروت بر کجروی در قرآن

میکانیزم‌های ارتباط قدرت و ثروت با انحرافات اجتماعی در دو سطح عوامل ساختاری (کلان) و عوامل روان‌شناختی (خرد) دسته‌بندی می‌شوند. در نهایت تلاش خواهیم کرد از برایند مجموعه عوامل به مدل تلفیقی دست یابیم که جایگاه هریک از عوامل و نسبت آن عوامل با همدیگر را روشن سازد.

۱ـ۱. عوامل ساختاری ـ کلان مشوق کجروی نخبگان

این عوامل به بسترهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی اشاره دارند که دستیابی، حفظ و گسترش قدرت و ثروت در تولید، تعریف و ترویج رفتارهای انحرافی می‌شود یا حداقل منجر به تسهیل رفتارهای کجروانه می‌گردد.

۱ـ۱ـ۱. عوامل اقتصادی

الف) نظام ربوی و سرمایه‌داری سودمحور

از منظر اسلامی، رباخواری (به‌عنوان نماد نظام بهره‌کشی) بزرگ‌ترین عامل فساد اقتصادی است. نظام‌های سرمایه‌داری معاصر، با نهادینه‌سازی ربا در قالب بانکداری بین‌المللی، چرخه‌ای ایجاد می‌کنند که بقا در اقتصاد جهانی را بدون مشارکت در این نظام انحرافی دشوار می‌نماید. این نظام «ارزش افزوده» را برای اقلیتی انباشته و «جمعیت حاشیه‌ای» وسیعی می‌آفریند (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج۲، ص۴۰۹؛ طالقانی، ۱۳۶۲ص۳۳۰؛ برای توضیحات بیشتر ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج۲، ص۳۶۳ و ۳۶۸). یکی از جنبه‌های منفی ربا این است که دارای پیامدهای منفی مختلف است. پیامد منفی اقتصادی آن اخلال نظام اقتصادی و سوءاستفادهٔ نخبگان از دسترنج محرومین جامعه است (مصباح یزدی، ۱۳۹۴الف، ج۳، ص۲۹۶). در سطح ملی و بین‌المللی نیز نظام ربوی عامل سوءاستفادهٔ کشورهای ثروتمند از محرومیت کشورهای فقیرتر است. چنانچه تجربهٔ وام‌های صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی با بهره‌های سنگین نشان می‌دهد که در بسیاری موارد کشورهای وام‌گیرنده را دچار مشکلات عمیق‌تر کردند (مصباح یزدی، ۱۳۹۶، ج۲، ص۲۳۴).

برای حل این مشکل باید نظام اقتصاد اسلامی طراحی شود که مالکیت خصوصی را به رسمیت بشناسد، اما بانک‌ها عامل کارهای اقتصادی باشند و به‌صورت غیرربوی فعالیت کنند و سود حاصل از گردش پول را بین همهٔ صاحبان سرمایه

توزیع کنند تا سرمایه در اختیار نزد عده‌ای خاصی متراکم نشود. درعین‌حال، کسانی که اصل پول و سود ناشی از گردش آن را تصاحب می‌کنند در ضرر احتمالی شریک باشند تا بانک به‌عنوان کارگزار نیز ضرر نکند (موسی‌پور، ۱۳۸۴، ص۱۶۶).

ب) منفعت‌طلبی و رقابت مادی افسارگسیخته

اصل جلب منفعت و دفع ضرر اصل عقلایی، عامل تربیت انسان و انگیزهٔ خداپرستی است (مصباح یزدی، ۱۳۹۳، ص۱۳۸). درعین‌حال، منفعت‌طلبی عامل سقوط اخلاقی بشریت، به‌ویژه برای اقشار توانمند جامعه است. طبق نظر افلاطون مشکلات منفعت‌طلبی زمانی بروز می‌کند که قدرتمندان زمام امور جامعه را در اختیار بگیرند، اما درعین‌حال فاقد حکمت عملی و ملکات فاضلهٔ اخلاقی باشند (مصباح یزدی، ۱۳۹۸، ص۳۹). به‌عنوان‌مثال، در زمان صدر اسلام یکی از مشکلات جامعهٔ اسلامی منفعت‌طلبی نخبگان مادیات‌پرست بود، آنان تصور می‌کردند با خلافت حضرت علی﵇ منافع آنان تأمین نخواهد شد، لذا ولایت ایشان را نپذیرفت و در جامعه اغتشاش ایجاد کردند (مصباح یزدی، ۱۳۹۴ج، ص۲۳۱). پس هنگامی که «دیدن جهان از دریچهٔ منافع» به هنجار مسلط تبدیل شود (بقره: ۲۹۰؛ برای توضیحات ر.ک: جعفری، ۱۳۷۶، ج۶، ص۱۰۸؛ محقق، ۱۳۶۱، ص۷)، رقابت برای کسب منابع محدود، به حذف رقیب، انحصارطلبی و نقض هرگونه قاعدهٔ اخلاقی می‌انجامد (جعفری، ۱۳۷۶، ج۶، ص۲۹ و ۳۰۴). قرآن در داستان قارون بر این «تکاثر» (انباشتگری رقابتی) تأکید دارد و چنین منفعت‌طلبی را مردود می‌شمارد (عنکبوت: ۳۹؛ قصص: ۷۸؛ برای توضیحات بیشتر ر.ک: فیض کاشانی، ۱۴۱۸ق، ص۹۳۷). به‌طورکلی پیشرفت مادی‌محور صرف را اسلام نمی‌پذیرد (فصیحی، ۱۴۰۵، ص۵۹).

ج) زیاده‌خواهی و انحصارطلبی

مراد از انحصارطلبی، بردهٔ دنیا، ثروت و جاه و مقام بودن است (مصباح یزدی، ۱۳۹۱الف، ص۱۷۰). مراد از زیاده‌خواهی، مال‌خواهی بی‌هدف است. اگر کسی تلاش کند و نتیجهٔ آن عاید جامعه شود و به دیگران کمک کند؛ مثلاً برای آنها شغل ایجاد کند، در شمار زیاده‌خواهی منفی نیست (مصباح یزدی، ۱۳۹۴ج، ج۱، ص۳۱۸). پس زیاده‌خواهی زمانی مذموم است که نخبگان به دلیل دوری از حالت قناعت، درگیر چرخهٔ بی‌پایان «هرچه بیشتر بهتر» شوند (مطهری، ۱۳۸۴، ج۱۵، ص۹۲۸) و یا عامل تنش و اختلاف در جامعه شوند (مصباح یزدی، ۱۳۹۶، ج۲، ص۲۵۲). این زیاده‌خواهی وقتی با ابزار قدرت همراه شود، به انحصار منابع (اقتصادی، اطلاعاتی، مهارتی) و بیرون راندن دیگران از دایرهٔ رقابت منجر می‌گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج۱۶، ص۱۵۷).

۲ـ۱ـ۱. عوامل سیاسی و حقوقی

الف) کشمکش بر سر قدرت

تاریخ اسلام و دیگر جوامع، مملو از نمونه‌هایی است که رقابت گروه‌های نخبه برای تصاحب قدرت، به خشونت، ترور، نقض بیعت و تضعیف نظم عمومی انجامیده است (کمره‌ای، بی‌تا، ص۱۲ و ۴۶ـ۴۷).

ب) ضعف یا ابزارگرایی قانون

قانون نباید صرفاً راهی برای رسیدن به لذایذ باشد، بلکه وسیلهٔ دفاع از حق و حقیقت نیز باشد. قانون باید مانعی برای رسیدن به خواسته‌های نامشروع زیادخواهان باشد (مصباح یزدی، ۱۳۸۲ب، ج۱، ص۱۸۰). هنگامی که قانون ضعیف باشد و یا به ابزاری در دست نخبگان برای تحکیم موقعیت خود تبدیل شود، دو پیامد دارد: اول، نخبگان با احساس مصونیت، مرتکب جرم می‌شوند، حتی ممکن است ادعاهای واهی خدمت به مردم یا توسعهٔ اقتصادی و امثال اینها را نیز مطرح کنند؛ دوم، افرادی که پایبند به قانون باشند، از گردونهٔ قدرت و ثروت عقب می‌افتند و فضای عمومی به نفع «حقه‌بازان» خالی می‌شود (جعفری، ۱۳۷۶، ج۳، ص۱۷۹ و ۲۲۵). حضرت علی﵇ تأکید می‌کند که عدالت در اجرای قانون علی‌السویه ـ به‌ویژه در برابر نخبگان ـ معنا می‌یابد (نهج‌البلاغه، خطبهٔ ۱۵).

۳ـ۱ـ۱. عوامل فرهنگی و گفتمانی

شکل‌دهی گفتمان مسلط: نخبگان با در اختیار داشتن رسانه و نهادهای فرهنگی، باورها و ارزش‌های جامعه را جهت‌دهی می‌کنند. قرآن به روشنی نشان می‌دهد که «ملا» و «مترف» (اشراف ثروتمند و خوش‌گذران) چگونه پیامبران را به دلیل نداشتن مال و جاه مسخره می‌کردند و موفقیت مادی را نشانهٔ حقانیت و کرامت ذاتی می‌دانستند (زخرف: ۳۱ـ۳۳؛ مؤمنون: ۳۳ـ۳۴ و ۳۸). برای مثال برای فرعون دعوت موسی﵇ و برادرش از آن رو مسخره بود که این دعوت از سوی دو چوپان پشمینه‌پوش انجام شده بود (مصباح یزدی، ۱۳۹۷ب، ص۱۰۶).

باورهای باطل سازندهٔ گفتمان: این گفتمان بر باورهایی استوار می‌شود که خود مولد کجروی هستند. مهم‌ترین مؤلفه‌های گفتمان‌ها عبارت‌اند از:

الف) جاوید پنداشتن قدرت و ثروت (فرعون‌گونه)

این امر به فرعونیان منحصر نبوده است، بلکه در سورهٔ همزه برخی گفتمان‌های جاویدپنداری قدرت را اشاره می‌کند و بر صاحبان تفکر جاویدپنداری قدرت لعنت فرستاده شده؛ چراکه با فخرفروشی به محرومین آنان را آزار و اذیت می‌کردند (همزه: ۱ و ۷). همچنین قرآن در سورهٔ کهف آیات ۳۲ـ۳۵ داستان جوانی ثروتمندی را حکایت می‌کند که چنین تفکری داشته است که با آن بر دیگران مباهات می‌کرده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج۱۲، ص۴۲۸؛ اندلسی، ۱۴۲۰ق، ج۷، ص۱۷۵). در قرآن از برخی قدرتمندان دیگر نیز یاد شده است که دارای تفکر جاودانه پنداری قدرت و ثروت بوده‌اند و به همین دلیل به دیگران ظلم و اجحاف می‌کردند (قصص: ۳۹). یکی از دلایل جاویدپنداری قدرت و ثروت غریزهٔ حب بقای انسان است. کسانی که منکر سرای آخرت‌اند تلاش دارند این غریزه را در همین دنیا عملی سازند (مصباح یزدی، ۱۳۹۴الف، ج۲، ص۴۳). چنین تفکری مطابق روایت «حب الدنیا رأس کل خطئیة»، عامل ترغیب ارتکاب انحرافات است (مصباح یزدی، ۱۳۹۴الف، ج۲، ص۱۴۳).

ب) تلازم داشتن قدرت/ثروت با کجروی به‌عنوان «زیرکی» و «سیاست واقعی»

مفهوم اصلی سیاست، آیین کشورداری و ادارهٔ جامعه با تأمین مصالح معنوی و مادی است (مصباح یزدی، ۱۳۹۱الف، ص۱۷).

حضرت علی﵇ تصریح می‌کنند که بسیاری از زورمندان زمانهٔ ایشان به نام سیاست‌ورزی بر دیگران ظلم می‌کردند و آنان را فریب می‌دادند و عنوان آن را سیاست‌ورزی مترقیانه می‌گذاشتند (نهج‌البلاغه، خطبهٔ ۲۰۰). علامه مصباح﵀ در تحلیل حکومت معاویه معتقد است که برای فریب افکار عمومی از مفهوم اسلامی خلافت سوءاستفاده کرد. زمینه‌های اجتماعی نیز بر این سوءاستفاده مساعدت کرد. معاویه در واقع به دنبال برپایی حکومتی شبیه کسری و قیصر بود، اما عنوان ظاهری آن را اسلامی انتخاب کرد تا بتواند با فریب افکار عمومی برای آن مشروعیت دست و پا کند (مصباح یزدی، ۱۳۸۲الف، ص۵۵).

ج) تضاد داشتن ایمان و تقوا با پیشرفت مادی

نخبگان در برخی جوامع افکار انحرافی ناسازگاری ایمان با توسعه را نهادینه کرده‌اند. در چنین جوامعی بسیاری از رفتارهای انحرافی تحت عنوان ترقی و توسعه‌یافتگی تحقق می‌یابد (مکارم شیرازی، ج۱۳، ص۱۲۷). اگر این ناسازگاری حل نشود، هرگونه مخالفت با انحرافات نخبگان امکان‌پذیر نخواهد بود (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ب، ص۴۳۲).

د) احساس بی‌نیازی از خدا و جامعه در سایهٔ تمکن

قرآن یکی از آسیب‌های احتمالی نخبگان را احساس بی‌نیازی و غرور کاذب می‌شمارند. چنانچه قرآن کریم می‌فرماید که نعمت‌های الهی عامل دور شدن از خدا برای برخی افراد است (اسراء: ۸۳؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج۳، ص۸۹)؛ همچنین در آیه دیگر می‌فرماید که طغیانگران احساس بی‌نیازی از دیگران دارند. چنین احساسی نیز عامل ارتکاب برخی رفتار انحرافی خواهد بود (مصباح یزدی، ۱۳۸۹ب، ص۷۸؛ جعفری، ۱۳۷۶، ج۱۶، ص۱۱۴). از نظر قرآن کسانی که سرمست مادیات گردیده‌اند، پیش‌گامان مبارزه با انبیا بوده‌اند (مصباح یزدی، ۱۳۹۷الف، ص۴۵۹).

ذ) انحراف ارزشی

در این گفتمان، «ارزش» منحصر در ثروت و قدرت می‌شود («فقط پولدارها محترم‌اند») و ارزش‌های معنوی و اخلاقی حاشیه‌ای می‌گردند (شعراء: ۱۱۱؛ مریم: ۷۳). تجمل‌گرایی نیز ابزاری برای نمایش برتری و نهادینه‌سازی این انحراف ارزشی است (قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج۹، ص۴۹۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج۱۵، ص۲۸۲؛ بانوی اصفهانی، ۱۳۶۱، ج۸، ص۱۴۲)؛ درحالی‌که پیامبران تلاش نموده‌اند جاه، مال، قدرت، فرزند، ثروت و شهرت به‌عنوان ارزش برتر از میان بردارند و به‌جای آن ارزش‌های نظیر تقوا، عمل صالح و ایمان را قرار دهند (مصباح یزدی، ۱۳۸۹ب، ص۷۵).

۴ـ۱ـ۱. نظام‌های اجتماعی بیمار

نظام‌های قبیله‌گرا، فئودالی یا بردگی مدرن (که در آن روابط ظالمانهٔ یک‌جانبه حاکم است)، به‌صورت ساختاری، امتیازات و حق کنش انحرافی را برای طبقهٔ حاکم تقویت می‌کنند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج۲۱، ص۴۹؛ ج۵، ص۴۴۳). یکی از مشکلات دوران امیرالمؤمنین﵇ قبیله‌گرایی است. امروزه غرب‌گرایی و ادعای برتری بر شرق نسخهٔ معاصر قبیله‌گرایی مدرن است. قبیله‌گرایی در همهٔ اشکال عامل تکثیر انحرافات در جامعه است (مصباح یزدی، ۱۳۹۷ب، ص۲۸).

۲ـ۱. عوامل روان‌شناختی ـ خرد (آسیب‌شناسی شخصیت توانمند)

قدرت و ثروت، تأثیری مستقیم بر روان و شخصیت دارندهٔ خود می‌گذارند و او را مستعد کجروی می‌سازند (جعفری، ۱۳۷۶، ج۶، ص۱۰۳).

غرور و خودبرتربینی: قرآن سرگذشت ابولهب (مسد: ۲)، قارون (قصص: ۷۸)، فرعون (نازعات: ۲۴) و ابوجهل (رهنما، ۱۳۴۶، ج۱، ص۵۶۱) را نمونه‌ای از این می‌داند که انباشت ثروت و قدرت، سبب می‌شود فرد دارایی خود را نتیجهٔ «کاردانی و علم» خویش دانسته و نسبت به دیگران دچار عجب و غرور شود. این غرور، مانع پذیرش حق و عدالت می‌گردد (شریعتی، ۱۳۶۵، ص۳۹۵). این گروه برای حفظ برتری خیالی هرگونه ظلم و تعدی نسبت به دیگران را مجاز می‌شمارند، حتی تضییع حقوق دیگران حق خود می‌شمارد (مصباح یزدی، ۱۳۸۹الف، ص۱۵۶).

دلبستگی بیمارگونه و حب دنیا: حضرت علی﵇ برای مبارزه با بیماری حب دنیا می‌فرماید: «دنیا به‌اندازهٔ آب بینی بز ارزش ندارد» (حکیمی، ۱۳۸۰، ج۲، ص۳۶۴)، اما معمولاً انسان‌ها بر اثر دلبستگی به دنیا چنین سخنانی را باور نمی‌کنند (مصباح یزدی، پند جاوید، ج۱، ص۳۱۶). برعکس، حب دنیا به منش غالب مبدل می‌شود و درنتیجه تکنولوژی نیز در خدمت سلطه و برده‌سازی مدرن قرار می‌گیرد (مصباح یزدی، ۱۳۸۱، ص۱۳). وابستگی شدید به مادیات، انسان را تا جایی پیش می‌برد که برای حفظ و افزایش آن، هر وسیله‌ای ـ از ظلم و فریب تا تبلیغات دروغین ـ را مجاز می‌شمارد (دیلمی، ۱۴۱۲ق، ج۱، ص۲۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۳، ج۲، ص۳۶۷؛ نجفی خمینی، ۱۳۹۸، ج۱۸، ص۲۷۶ و ۳۵۶؛ کاشانی، ۱۴۱۸ق، ج۲، ص۹۳۷).

سرمستی و «جنون قدرت»: برخی فیلسوفان نیز هرگونه نیاز به دیگران را با بی‌خردی مساوی دانسته و فداکاری در راه وطن را صرف انرژی برای بی‌خردان قلمداد کرده‌اند، و در واقع خود را برتر از دیگران و بی‌نیاز نسبت به آنها دانسته‌اند (مصباح یزدی، ۱۳۹۴د، ص۱۲۲)، حتی قرآن از گروه‌هایی یاد می‌کند که حقایق را با جان و دل درک کرده بودند، ولی به دلیل حس برتری‌جویی آن را نمی‌پذیرفتند و احساس می‌کردند که پذیرش آن باعث ذلیل شدن آنها خواهد شد (مصباح یزدی، ۱۳۹۴ه، ج۲، ص۳۱).

در مراحل پیشرفته‌تر از جنون قدرت، توانمند دچار حالتی از سرخوشی و از خودبی‌خودی می‌شود که در متون دینی از آن به «بطر» (سرمستی ناشی از نعمت) تعبیر شده است. در این حالت، فرد مانند «دیوانه‌ای» که تعادل رفتاری ندارد، قوانین اجتماعی و حتی محاسبات عقلایی سود و زیان خویش را نادیده می‌گیرد و دست به اقدامات افراطی و خشونت‌بار می‌زند (ر.ک: مترجمان، ۱۳۷۷، ج۱۵، ص۳۰۸؛ طالقانی، ۱۳۶۲، ج۱۶، ص۷۶؛ قرائتی، ۱۳۸۳، ج۹، ص۷۸).

جمع‌بندی

مهم‌ترین نکات آنچه بیان شد در ذیل مرور می‌گردد، تا زمینهٔ استخراج مدل تحلیلی و تلفیقی از مباحث فوق فراهم گردد.

۱. ثروت و قدرت ذاتاً یک نعمت الهی است، حتی ویژگی‌های نظیر منفعت‌طلبی ذاتاً امری ارزشمند است که

انسان‌ها به آن نیاز دارند، حتی اموری نظیر خداپرستی بدون این ویژگی‌ها شکل نمی‌گیرد. پس از نظر علامه مصباح‌ﷺ ذات ثروت و قدرت بد نیست و خصوصیاتی که انسان را طالب و راغب آن می‌سازد نیز، ذاتاً امور منفی به شمار نمی‌رود.

۲. درعین‌حال مهم‌ترین مخالفان ارزش‌های الهی و مهم‌ترین موانع در برابر پیامبران الهی همین قدرتمندان و ثروتمندان بوده‌اند، و امروزه نیز نظام‌های مادی‌گرا ریشهٔ اصلی تولید، ترغیب و تکثیر انحرافات در جوامع بشری هستند. پس اموری ذاتاً خوب در عمل قابل سوءاستفاده و مبنای شکل‌گیری نظام سلطه در میان بشریت در طول تاریخ بوده است و امروزه نیز کم و بیش همان الگو ساری و جاری می‌باشد.

۳. باوجود اینکه قدرت و ثروت در شکل اولیه به سیاست و اقتصاد مربوط می‌شود، اما آثار آن در همهٔ بخش‌های جامعه از جمله فرهنگ، سیاست، اقتصاد و اجتماعی و حتی در بخش‌های خرد جامعه، مثل روحیات و شخصیت اعضای جامعه وجود دارد.

۴. بین قدرت و ثروت با بخش‌های دیگر جامعه تأثیر و تأثر متقابل برقرار است؛ مثلاً تشدید روحیهٔ منفعت‌طلبی، لذت‌طلبی مفرط و امثال آن باعث می‌شود که قدرتمندان و ثروتمندان نتوانند از نعمت‌های الهی به خیر و سعادت جامعه استفاده کنند و حتی وادار شوند که بر علیه ارزش‌های متعالی عمل کنند.

قدرت و ثروت نیز می‌توانند برخی ویژگی‌های روانی افراد را تحت تأثیر قرار دهد؛ مثلاً روحیهٔ بی‌نیازی از دیگران را در آنان پرورش دهند، حتی می‌تواند روحیهٔ سرمستی را در انسان ایجاد کند که درنتیجه تصور کند نه‌تنها به اعضای جامعه، بلکه به خداوند نیز نیازی ندارند، حتی ممکن است احساسات غلط نظیر شرافت ذاتی و برتری نسبت به همهٔ موجودات عالم را در قدرتمندان و ثروتمندان ایجاد کند.

۵. تصورات قدرتمندان و ثروتمندان در حد تصور باقی نمی‌ماند و در بسیاری مواقع می‌تواند با استفاده از نفوذ، شهرت، تطمیع و تحریف، تأثیرات ویژه بر دیگر بخش‌های جامعه داشته باشد؛ هرچند که این قشر با استفاده از ثروت و قدرت می‌توانند تأثیرات مثبت و ویژه نیز در جامعه داشته باشند.

۶. نظارت اجتماعی و اعمال کنترل اجتماعی بر آنان نیز دشوارتر از دیگران است و با میکانیزم‌های عادی و معمولی نظارت‌پذیر نخواهند بود. قرآن در قالب تجربیات حضرت موسی‌ﷺ چنین نکته‌ای را تشریح می‌کند: اولاً حضرت موسی‌ﷺ موظف می‌شود که در مرحلهٔ اول با فرعون گفت‌وگو کند، اما حضرت موسی‌ﷺ نیز از خداوند درخواست می‌کند که این گفت‌وگو نیازمند شخص گفت‌وگوکنندهٔ توانمند است و با زبان ساده و روزمره قابل تحقق نیست. خداوند نیز می‌پذیرد یک مذاکره‌کنندهٔ توانمند را همراه موسی‌ﷺ گرداند، اما قرآن نشان می‌دهد که به دلیل جذابیت قدرت و ثروت برای فرعون، حضرت موسی‌ﷺ باوجود این آمادگی‌ها موفق به قانع کردن او نمی‌شود و در نهایت نیز قوهٔ قهریهٔ الهی او را از میان برمی‌دارد. سرگذشت حضرت یوسف‌ﷺ نیز نشان می‌دهد که زجرهای زیادی می‌کشد تا بتواند دستگاه حاکمیت را تحت تأثیر قرار دهد و آن را به کنترل درآورد. ایشان اعتراف می‌کند که در برخی مراحل تنها امدادهای الهی توانسته است او را نجات دهد.

۷. در نظریهٔ علامه مصباح﵀ میان سطح خرد و کلان در تبیین انحرافات نخبگان دادوستد و دیالیکتیک برقرار است. نخبگان تنها زمانی دچار انحراف می‌شوند که دارای روحیهٔ طغیان، سرکشی، لذت‌طلبی مفرط، راحت‌طلبی افراطی و... باشند. همچنین زمانی منشأ کارهای خیر خواهند بود که دارای روحیهٔ فداکاری، ایمان و... باشند.

۸. پیامدهای منفی قدرت و ثروت در صورت فقدان فرهنگ‌سازی و تربیت اجتماعی امر طبیعی و معمولی است و به خوب و بد بودن صاحبان آن ارتباط ندارد. در همه‌جا چنین پیامدهایی می‌تواند داشته باشد، مگر اینکه توسط ایمان، فرهنگ و تربیت کنترل شود.

مدل تحلیلی تلفیقی

از یافته‌های فوق، مدل ذیل برای تحلیل رابطهٔ قدرت و ثروت با کجروی استخراج می‌شود:

عوامل کلان (ساختاری) انحرافات نخبگان
⇩
اقتصادی: رباخواری، انحصار، رقابت مطلق
سیاسی: کشمکش قدرت، قانون ابزاری
فرهنگی: گفتمان مسلط، ارزش‌های انحرافی
اجتماعی: نظام‌های قبیله‌ای/سرمایه‌ای
(تأثیرگذاری و شکل‌دهی) ▼
شخصیت توانمند (صاحب قدرت/ثروت)
ـ غرور و خودبرتربینی
ـ دلبستگی بیمارگونه به دنیا
ـ سرمستی و جنون قدرت
ـ احساس بی‌نیازی
(بروز در قالب) ▼
مصادیق کجروی نخبگان
ـ کجروی‌های اقتصادی: ربا، انحصار، فساد مالی، استثمار
ـ کجروی‌های سیاسی: مبارزه با جرم‌سازی برای پیامبران و مصلحان، برای محرومان، نقض بیعت و ایجاد تفرقه
ـ کجروی‌های فرهنگی: تحریف حقایق، اشاعهٔ فحشا، ترویج تجمل‌گرایی
(بازتولید و تشدید ساختارها) ▼
تقویت ساختارهای ناعادلانهٔ کلان و ایجاد «جامعهٔ توده‌ای» منفعل

این مدل نشان می‌دهد که کجروی نخبگان یک پدیدهٔ خطی ساده نیست، بلکه یک چرخهٔ معیوب است. ساختارهای ناعادلانهٔ کلان، شخصیت‌های مستعد انحراف می‌پرورانند. این شخصیت‌ها با ارتکاب کجروی‌های خاص (عمدتاً اقتصادی ـ سیاسی)، همان ساختارها را تقویت و بازتولید می‌کنند. همچنین نتایج این کجروی‌ها (نابرابری، محرومیت نسبی، ازخودبیگانگی) به‌عنوان عوامل میانی، به گسترش کجروی در سطوح دیگر جامعه نیز دامن می‌زنند.

نوآوری‌های نظریهٔ علامه مصباح﵀ در تبیین انحرافات نخبگان

نظریه‌های انتقادی چنین وانمود می‌کنند که سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با قدرت و ثروت به اشکال مختلف از فرهنگ در هنگام ارتکاب انحرافات سوءاستفاده می‌کنند. علامه مصباح﵀ این پیوند را به شکل بنیادی‌تر تصویر می‌کند. ایشان درعین‌حال که فعالیت‌های نهادهای قدرت و ثروت، یعنی مستکبران و مترفان در سوءاستفاده از فرهنگ را می‌پذیرد (مصباح یزدی، ۱۳۹۷الف، ص۴۷۰)، اما منکر ایجاد نیازهای کاذب (مصباح یزدی، ۱۳۹۴الف ج۲، ص۱۷۴)، برچسب‌زنی (مصباح یزدی، ۱۳۸۲ب، ج۲، ص۲۲۸)، تحریف (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ج، ص۱۴۳) و امثال این عوامل نیست. نوآوری ایشان این است که فرهنگ نیز می‌تواند بر قدرت و ثروت اثر بنیادین داشته باشد. پس گزارهٔ اصلی نظریهٔ علامه مصباح﵀ اصالت دادن به عوامل فرهنگی است.

درحقیقت عوامل اقتصادی و سیاسی در ذات خود با عوامل فرهنگی مرتبط است. تفکیک عوامل به فرهنگی، اقتصادی و سیاسی بیشتر در سطح تحلیل است. در سطح واقعیت همان‌گونه که عوامل فرهنگی از قدرت و ثروت اثر می‌پذیرد، درعین‌حال به اشکال مختلف بر آن اثر نیز می‌گذارد و زمینه‌ساز تولید، تعریف و تکثیر انحرافات قدرتمندان و ثروتمندان می‌شود. مهم‌ترین آثار عوامل فرهنگی بر انحرافات نخبگان در اشکال ذیل ظاهر می‌شود:

۱. مولد کجروی قدرتمندان و ثروتمندان: عوامل فرهنگی مولد کجروی قدرتمندان است. اصل این مطلب در نظریهٔ انتقادی و نظریهٔ علامه مصباح﵀ ذکر شده است، اما نوآوری علامه مصباح﵀ در توجه عمیق به نقش شخصیت سلطه‌گر و سلطه‌پذیر در جامعه می‌باشد. لایه‌های بنیادین شخصیت‌ها و نظام‌های سلطه‌گر و کنشگران سلطه‌پذیر از مؤلفه‌های فرهنگی نظیر گرایش‌ها، ارزش‌ها، کنش‌های جمعی و امثال آن تشکیل می‌شود. به‌عنوان‌مثال، اگر میل به قدرت و ثروت مادی و وابستگی قومی، حزبی و منطقه‌ای به گرایش‌ها و ارزش‌های برتر حاکمان و ثروتمندان جامعه تبدیل شود، نظام‌های مادی مستحکم و خودکامه و لاابالی در جامعه شکل خواهد گرفت (مصباح یزدی، ۱۳۸۲الف، ص۱۱۴) و لاجرم انحرافات نخبگان نیز گسترش خواهد یافت.

به‌عنوان نمونه یکی از عوامل فرهنگی، رسانه‌هاست. طبق نظریهٔ انتقادی، رسانه‌ها در تولید انحرافات نقش دارند. این مطلب از نظر علامه مصباح﵀ نیز صحیح است، اما باید با تحلیل جنبه‌های شخصیتی سلطه‌گران زوایای دیگر نقش رسانه‌ها نیز ذکر شود. باید رسانه‌ها را در پیوند با ارزش‌ها، رویکردها و چشم‌اندازهای کنشگران رسانه‌ای مورد بررسی قرار داد تا صرفاً نگاه‌های منفی از رسانه به‌عنوان عامل فرهنگی را گسترش ندهیم. متناسب با شخصیت

استفاده‌کنندگان ممکن است رسانه‌ها در ریشه‌کن کردن انحرافات نقش داشته باشند. به‌عنوان‌مثال، همان‌طور که رسانه‌ها نیاز کاذب تولید می‌کنند، می‌توانند نیازهای حقیقی را نیز نهادینه و کاذب بودن برخی نیازها را معرفی کنند.

۲. فرهنگ کنترل‌کنندهٔ کجروی قدرتمندان و ثروتمندان: نظریات مکتب انتقادی بیشتر جنبهٔ توصیفی و منفی دارند و کنترل انحرافات نخبگان را غیرممکن جلوه می‌دهند، اما علامه مصباح﵀ چنین چیزی را نمی‌پذیرد و فرایند کنترل انحرافات نخبگان را ممکن و قابل تحقق می‌داند.

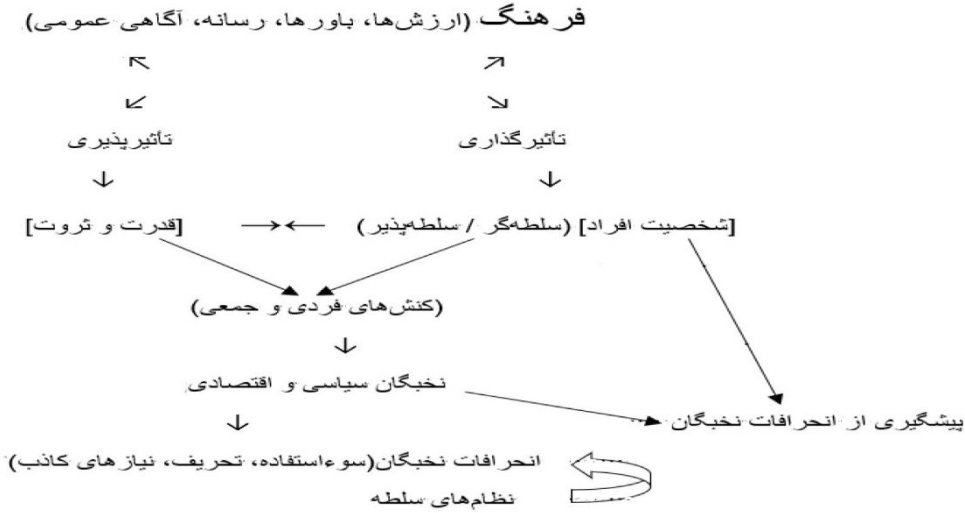
اگر میل و مطلوبیت‌های نهادینه‌شدهٔ قدرتمندان و ثروتمندان غالباً معنوی و انسانی باشد (مصباح یزدی، ۱۳۸۲الف، ص۱۰۸ـ۱۱۰)، انسان‌ها برای دفاع از ارزش‌های عدالت‌طلبانه از هرگونه وابستگی مادی (۱۳۸۲الف، ص۱۱۳) و از کل حیات دنیا با عشق چشم‌پوشی خواهند کرد (مصباح یزدی، ۱۳۸۲الف، ص۱۲۰). در چنین شرایطی با قدرت فرهنگی اصیل می‌توان کج کارکردهای عظیم‌ترین سیستم‌های مادی قدرتمندان و ثروتمندان را نه‌تنها کنترل کرد، بلکه از شکل‌گیری انحرافات قدرتمندان و ثروتمندان پیشگیری کرد (مصباح یزدی، ۱۳۸۲الف، ص۱۱۵).

پس از نظر علامه مصباح﵀ نه‌تنها انحرافات نخبگان قابل کنترل است، بلکه قابل پیشگیری است و با فرهنگ‌سازی و جامعه‌پذیری می‌توان زمینهٔ شکل‌گیری انحرافات نخبگان را از بین برد.

۳. فرهنگ تکثیرکنندهٔ کجروی قدرتمندان و ثروتمندان: تأثیرات اشاعه‌دهندهٔ انحرافات ابزارهای نظام سلطه نیز به بستر فرهنگی بستگی دارد. به‌عنوان‌مثال، تأثیرات سوء تبلیغات رسانه‌های سلطه‌گر بر بستر فقدان آگاهی جمعی (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ج، ص۱۰۵؛ ۱۳۹۸، ص۲۱۰) و تأثیرات سوء تهدیدها و تطمیع‌های نظام‌های سلطه‌گر بر بنیاد ضعف ایمان شکل می‌گیرد (مصباح یزدی، ۱۳۸۲الف، ص۱۱۸). در واقع، دو عامل خرد و کلان فرهنگی بر ابزارهای اشاعه‌دهندهٔ انحرافات نخبگان تأثیر مستقیم دارد.

پس راه‌حل‌های فرهنگی برای تکثیر انحرافات توسط قدرتمندان وجود دارد که عبارت‌اند از: تقویت فرهنگ، آگاهی عمومی و ایمان اعضای جامعه. نمونهٔ عینی ادعای فوق جریان قیام امام حسین﵇ در کربلاست. بنی‌امیه نمونهٔ عینی نظام سلطه در جوامع اسلامی بوده است. آنان بر کلیهٔ رسانه‌ها و ابزارهای فرهنگی، سیاسی و اقتصادی دورهٔ خویش تسلط داشتند (مصباح یزدی، ۱۳۸۲الف، ص۱۰۶). امام حسین﵇ با نهادینه‌سازی فرهنگ دینی و سازماندهی عده‌ای محدود از نخبگان دینی (البته امام حسین﵇ برای شکل‌گیری این جریان نخبگانی سال‌ها زحمت کشیده بود). نظام سلطهٔ عظیم بنی‌امیه و ابزارهای فرهنگی و تبلیغاتی آن را به جامعه معرفی کرد و در نهایت سلطه‌جویی اقتصادی و سیاسی بنی‌امیه را کاملاً تضعیف کرد (مصباح یزدی، ۱۳۸۲الف، ص۱۰۷). پس اینکه ابزارهای فرهنگی را صرفاً در خدمت اشاعهٔ انحرافات نخبگان بشماریم و بر مواردی نظیر ایجاد نیازهای کاذب بیش از حد تأکید کنیم، صحیح نیست، بلکه با تلاش‌های فرهنگی مؤثر می‌توان با انحرافات نخبگان نیز مقابله کرد.

به‌طور خلاصه نوآوری علامه مصباح﵀ در این است که اولاً پیوند فرهنگ با قدرت و ثروت را به‌صورت دو جانبه تصویر می‌کند و فرهنگ را ابزار صرف قدرتمندان و ثروتمندان نمی‌داند، بلکه برای فرهنگ بر قدرت و ثروت نیز تأثیرات مهمی قائل است؛ یعنی اولاً سلطهٔ فرهنگی را زمینه‌ساز سلطهٔ اقتصادی و سیاسی می‌داند؛ درحالی‌که برچیدن سلطهٔ فرهنگی زمینهٔ سلطهٔ اقتصادی و سیاسی را نیز تا حد زیادی از بین می‌برد؛ ثانیاً پیوند سطوح خرد و کلان را نادیده نمی‌گیرد و برای حل مشکلات نخبگان در سطح کلان از سطح خرد و شخصیت افراد نیز کمک می‌گیرد؛ هرچند عوامل کلان نظیر فرهنگ عمومی و جمعی را نیز مورد بحث قرار می‌دهد؛ ثالثاً به‌جای کنترل انحرافات قدرتمندان و ثروتمندان بر پیشگیری تأکید دارد؛ رابعاً تلاش دارد نظریهٔ صرفاً منفی و توصیفی محض ارائه نکند؛ در نهایت، تلاش می‌کند برای تبیین‌های علمی بنیادهای انسان‌شناختی، هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی فراهم کند تا از نسبی‌گرایی نجات یابد. خلاصهٔ مباحث علامه مصباح﵀ در قالب نمودار ذیل ترسیم شده است:



بحث و نتیجه‌گیری

این مقاله نشان داد که رابطهٔ قدرت و ثروت با کجروی، رابطه‌ای تک‌سویه و تصادفی نیست، بلکه یک ارتباط ذاتاً ساختاری و روان‌شناختی است. کجروی نخبگان، هم از امکانات بیشتری برای ارتکاب برخوردار است (کنترل قانون، رسانه، سرمایه)، هم از انگیزه‌های قوی‌تری نشئت می‌گیرد (حفظ و گسترش امتیازات، غرور، زیاده‌خواهی) و هم پیامدهای مخرب‌تری برای کل جامعه دارد (تخریب بنیان‌های عدالت، ایجاد شکاف طبقاتی، بی‌اعتمادی به نهادها).

نظریه‌های جامعه‌شناختی تضاد و انتقادی، در شناسایی مکانیسم‌های عینی این رابطه (از جمله نقش گفتمان، کنترل قانون و اقتصاد سیاسی)، ابزارهای تحلیلی ارزشمندی ارائه می‌دهند. بااین‌حال، چشم‌انداز اسلامی با ارائهٔ یک

چارچوب هنجاری ثابت (مبتنی‌بر توحید، عدالت و تقوا) و تحلیل عمیق از آسیب‌شناسی روانی ناشی از ثروت و قدرت (غرور، بطر، طغیان)، دو گام فراتر می‌نهد: اولاً با خروج از نسبی‌گرایی، معیاری برای تشخیص «کجروی واقعی» از «برچسب‌زنی سیاسی» فراهم می‌آورد؛ ثانیاً با تأکید بر عاملیت اخلاقی فرد توانمند، از جبرگرایی اقتصادی محض فاصله می‌گیرد و نشان می‌دهد که چگونه ایمان و تقوا می‌توانند حتی در اوج قدرت و ثروت، مانع انحراف گردند.

یافته‌های این پژوهش چند پیامد مهم برای سیاست‌گذاری اجتماعی و جرم‌شناسی دارد:

۱. جابه‌جایی کانون کنترل اجتماعی: باید تمرکز مبارزه با کجروی، به‌صورت جدی‌تری به سمت انحرافات نخبگان و جرائم یقه‌سفیدان و حکومتی معطوف شود.

۲. اصلاح ساختارهای اقتصادی: مقابله با مکانیزم‌های ساختاری تولیدکنندهٔ کجروی (مانند نظام‌های ربوی، انحصارات، فساد سیستمی) در اولویت قرار گیرد و نگاه اقتصادی در مبارزه با کجروی به‌عنوان اصل اساسی پذیرفته شود.

۳. شفافیت و نظارت مردمی: تقویت نهادهای نظارتی مستقل و شفافیت در عملکرد صاحبان قدرت و ثروت، به‌عنوان یک راهکار عملی ضروری است. نظارت عمومی در کنار نظارت‌های رسمی به‌عنوان یک اصل اساسی مورد توجه قرار گیرد، اما نظارت‌های پیچیده و ویژهٔ قدرتمندان و ثروتمندان نیز نیاز است؛ هرچند گفت‌وگو و مشورت با آنان نیز باید بیشتر باشد تا کنترل آنها برای جامعه امکان‌پذیر باشد.

۴. فرهنگ‌سازی دینی: ترویج ارزش‌های اسلامی مانند قناعت، ایثار، مسئولیت‌پذیری ثروتمندان و زهد در قدرت، به‌عنوان پادزهر فرهنگی در برابر گفتمان مسلط مادی‌گرایانه و اصالت قائل شدن برای گفتمان‌های غیرمادگرایانه به‌عنوان اصل اساسی.

در نهایت، این مقاله بر ضرورت تدوین نظریهٔ اجتماعی اسلامی دربارهٔ کجروی تأکید می‌ورزد که با حفظ اصالت مفاهیم دینی و استفادهٔ انتقادی از دستاوردهای علوم اجتماعی، بتواند الگوهای دینی برای تحلیل و کنترل انحرافات ـ به‌ویژه انحرافات نخبگان ـ ارائه دهد.

منابع

قرآن کریم.

نهج‌البلاغه.

استریناتی، دومینک (۱۳۸۸). *نظریه‌های فرهنگ عامه*. ترجمهٔ ثریا پاک‌نظر. تهران: گام نو.

اندلسی، محمد بن یوسف (۱۴۲۰ق). *البحر المحیط فی التفسیر*. بیروت: دار الفکر.

باتومور، تامس برتون و روبل، ماکزیملین (۱۳۹۲). *گزیدهٔ نوشته‌های کارل مارکس در جامعه‌شناسی و فلسفهٔ اجتماعی*. ترجمهٔ پرویز بابائی. تهران: نگاه.

بانوی اصفهانی، سیده نصرت امین (۱۳۶۱). *مخزن العرفان در تفسیر قرآن*. تهران: نهضت زنان مسلمان.

جعفری، محمدتقی (۱۳۷۶). *ترجمه و تفسیر نهج البلاغه*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

حکیمی، محمدرضا (۱۳۸۰). *الحیاة*. ترجمهٔ احمد آرام. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۱۲ق). *إرشاد القلوب إلی الصواب*. قم: شریف رضی.

رهنما، زین‌العابدین (۱۳۴۶). *ترجمه و تفسیر رهنما*. تهران: کیهان.

سلیمی، علی و داوری، محمد (۱۳۸۵). *جامعه‌شناسی کجروی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

شریعتی، محمدتقی (۱۳۶۵). *تفسیر نوین*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

طالقانی، محمود (۱۳۶۲). *پرتوی از قرآن*. تهران: شرکت سهامی انتشار.

طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعهٔ مدرسین حوزهٔ علمیهٔ قم.

فصیحی، امان‌الله (۱۴۰۵). تبیین نسبت مبانی انسان‌شناختی با الگوی پیشرفت فرهنگ‌محور و اقتضائات دانشی آن از دیدگاه آیت‌الله مصباح یزدی. *معرفت فرهنگی اجتماعی*، ۱۷(۳)، ۴۹ـ۷۲.

فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۱۸ق). *الأصفی فی تفسیر القرآن*. قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

قرائتی، محسن (۱۳۸۳). *تفسیر نور*. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

قمی مشهدی، محمد (۱۳۶۸). *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.

کمره‌ای، محمدباقر (بی‌تا). *گنجینهٔ معارف شیعه (ترجمهٔ کنز الفوائد و التعجب)*. تهران: چاپخانهٔ فردوسی.

گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴). *مبانی جامعه‌شناسی*. ترجمهٔ منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.

مترجمان (۱۳۷۷). *تفسیر هدایت*. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

محقق، محمدباقر (۱۳۶۱). *نمونه بینات در شأن نزول آیات*. تهران: اسلامی.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۱). *تهاجم فرهنگی*. تحقیق و نگارش: عبدالجواد ابراهیمی. قم: مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۲الف). *آذرخشی دیگر از آسمان کربلا*. قم: مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۲ب). *نظریهٔ سیاسی اسلام*. تحقیق و نگارش: کریم سبحانی. قم: مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۹الف). *دربارهٔ پژوهش*. تدوین و نگارش: جواد عابدینی. قم: مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۹ب). *عبرت‌های خرداد*. تنظیم و گردآوری: سیدحسین شفیعی. قم: مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱الف). *پاسخ استاد به جوانان پرسشگر*. قم: مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱ب). *جامعه و تاریخ از نگاه قرآن*. قم: مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱ج). *آفتاب مطهر*. نگارش: غلام رضا گلی زواره. قم: مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۳). *انسان‌سازی در قرآن*. تنظیم و نگارش: محمود فتحعلی. قم: مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۴الف). *اخلاق در قرآن*. قم: مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۴ب). *در پرتو ولایت*. قم: مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۴ج). *پند جاوید*. نگارش: علی زینتی. قم: مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۴د). *نقد و بررسی مکاتب اخلاقی*. تحقیق و نگارش: احمدحسین شریفی. قم: مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۴ه). *قرآن شناسی*. تحقیق و نگارش: غلامعلی عزیزی‌کیا. قم: مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۶). *نظریهٔ حقوقی اسلام*. تحقیق و نگارش: محمدمهدی کریمی‌نیا. قم: مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۷الف). *راه و راهنماشناسی*. قم: مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۷ب). *زنهار از تکبر*. تدوین و نگارش: محسن سبزواری. قم: مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۸). *انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن*. تدوین و نگارش: قاسم شبان‌نیا. قم: مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
مطهری، مرتضی (۱۳۸۴). *مجموعه‌آثار*. تهران: صدرا.
مظلوم خراسانی، محمد (۱۳۸۵). *بررسی مسائل اجتماعی ایران*. مشهد: دانشگاه فردوسی.
مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۳). *برگزیدهٔ تفسیر نمونه*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
موسی‌پور، مرتضی (۱۳۸۴). *به پیشواز خورشید غرب: گزارش سفر حضرت آیت‌الله مصباح یزدی به اسپانیا و امریکای لاتین*. قم: مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
میلز، سی‌رایت (۱۳۸۸). *نخبگان قدرت*. ترجمهٔ بنیاد فرهنگی پژوهشی غرب‌شناسی. تهران: فرهنگ مکتوب.
نجفی خمینی، محمدجواد (۱۳۹۸ق). *تفسیر آسان*. تهران: اسلامیه.
وایت، راب و هینز، فیونا (۱۳۸۳). *جرم و جرم‌شناسی*. ترجمهٔ علی سلیمی. قم: پژوهشکدهٔ حوزه و دانشگاه.
ولد، جرج، برنارد، توماس و اسپینس، جفری (۱۳۸۰). *جرم‌شناسی نظری*. ترجمهٔ علی شجاعی. تهران: سمت.